



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

راهپیمایی اربعین حسینی

از مجموعه کتابهای «عین‌القرن»



حسن مطهری و گروه نویسندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهپیمایی اربعین حسینی

نویسنده:

حسن صفر زاده تهرانی

ناشر چاپی:

فرهنگستان اندیشه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	راهپیمایی اربعین حسینی
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	تقدیم
۱۶	فهرست
۲۰	پیش‌گفتار
۲۲	مقدمه
۲۶	فصل اول: چرایی و اهمیت زیارت سید و سالار شهیدان
۲۶	بخش اول: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
۲۷	بخش دوم: زیارت اربعین حضرت امام حسین علیه السلام
۲۹	بخش سوم: جایگاه رفیع زیارت اربعین حسینی
۳۰	بخش چهارم: زیارت اربعین حسینی در منابع روایی
۳۱	بخش پنجم: راهپیمایی اربعین حسینی
۳۳	بخش ششم: سیره علمای شیعه در راهپیمایی اربعین حسینی
۳۵	بخش هفتم: چرایی راهپیمایی اربعین حسینی
۳۶	بخش هشتم: ضرورت راهپیمایی اربعین
۳۹	فصل دوم: منشور اخلاقی راهپیمایی حماسی اربعین حسینی
۳۹	بخش اول: مقدمه
۴۰	بخش دوم: منشور اخلاقی راهپیمایی حماسی اربعین حسینی
۴۰	اول: تحقق اهداف و فلسفه قیام امام حسین علیه السلام
۴۰	دوم: حفظ شکوه و عظمت راهپیمایی
۴۰	سوم: حفظ شأن و منزلت
۴۱	چهارم: توجه به واجبات

۴۱	پنجم: برادری و اخوت
۴۱	ششم: غنیمت شمردن فرصت اربعین
۴۲	هفتم: سعه صدر
۴۲	هشتم: سپاس‌گزاری
۴۲	نهم: ایثار و فداکاری
۴۲	دهم: اظهار محبت و علاقه
۴۳	یازدهم: عشق به خدمت
۴۳	دوازدهم: احترام به آداب و رسوم مردم عراق
۴۳	سیزدهم: پرهیز از اسراف و زیاده‌روی در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها
۴۴	چهاردهم: رعایت بهداشت و نظافت فردی، اجتماعی و محیطی
۴۴	پانزدهم: رعایت قانون
۴۶	فصل سوم: پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی
۴۶	بخش اول: مقدمه
۴۷	بخش دوم: مصادیق پیوند راهپیمایی با حکومت جهانی
۴۷	اول: سرمایه‌های انسانی آماده
۴۷	دوم: هم‌صدائی (وحدت و برادری بین ملل اسلامی)
۴۸	سوم: زندگی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان
۴۸	چهارم: آشنایی با چهره واقعی شیعه
۴۹	پنجم: آشنایی با رهبری حکومت جهانی
۴۹	ششم: نمونه قابل‌ارائه
۵۲	فصل چهارم: گزارش جامع از حادثه عاشورا
۵۲	اشاره
۵۴	بخش اول: بیان صفات والای امام حسین به شکل سلام
۵۴	بخش دوم: بیان صفات والای امام حسین به شکل شهادت‌خطاب به خداوند
۵۵	بخش سوم: بیان صفات والای امام حسین به شکل شهادت‌خطاب به حضرت
۵۸	بخش چهارم: بیان هدف و نوع عملکرد امام حسین

۵۹	بخش پنجم: معرفی و نتیجه کار اهل شقاق و نفاق
۶۲	فصل پنجم: زیارت اربعین
۶۲	بخش اول: متن زیارت با ترجمه
۶۵	بخش دوم: زیارت جابر بن عبدالله انصاری
۶۸	بخش سوم: زیارت جابر در شعر آئینی ناب
۸۲	منابع
۸۴	درباره مرکز

سرشناسه: صفرزاده تهرانی، حسن، 1341-

عنوان قراردادی: زیارتنامه اربعین. فارسی- عربی *Arba'in prayer

عنوان و نام پدیدآور: راهپیمایی اربعین حسینی/ نویسنده حسن صفرزاده تهرانی؛ تدوین و ویراستاری اکرم ویسی؛ به اهتمام موسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن.

مشخصات نشر: اصفهان: فرهنگستان اندیشه، 1444 ق. = 1401.

مشخصات ظاهری: [8]، 88 ص.؛ 5/14×5/21 س م.

فروست: ... مجموعه کتاب های «نمی ازیم».

شابک: 500000 ریال 8-55-6620-600-978

یادداشت: کتاب حاضر با حمایت دفتر مطالعات و پژوهش های بنیاد فرهنگی بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه و الشریف) منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. 87 - 88؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حسین بن علی (علیه السلام)، امام سوم، 4 - 61ق -- اربعین

موضوع: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Arba'in

موضوع: حسین بن علی (علیه السلام)، امام سوم، 4 - 61ق -- اربعین -- شعر

موضوع: Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 -- Arba'in -- Poetry

موضوع: زیارتنامه اربعین *Arba'in prayer

موضوع: عاشورا Tenth of Muharram شعر فارسی -- قرن 14 20th century Persian poetry

شناسه افزوده: ویسی، اکرم، 1366-، گردآورنده، ویراستار

شناسه افزوده: موسسه قرآن و عترت صبح روشن

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه و الشریف). دفتر مطالعات و پژوهش های فرهنگی اجتماعی

رده بندی کنگره: BP41/5

رده بندی دیویی: 297/9534

شماره کتابشناسی ملی: 9014131

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ویراستار دیجیتالی: محمد منصورى

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

تقديم به ساحت مقدس مصلح و منجى بشریت

حضرت بقیة الله الاعظم، مهدى صاحب الزمان

عجل الله تعالى فرجه الشريف و ارواح من سواه فداه.

ص: 5

با توجه به روایات اهل بیت عصمت و طهارت، زیارت سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، نقش تربیتی بسیاری مهمی دارد و در میان زیارت‌ها زیارت روز اربعین، از جایگاه بلند و ویژه‌ای برخوردار است خاصه اگر این زیارت با پای پیاده باشد که ارزش دوچندان دارد.

در حقیقت زیارت با پای پیاده در روز اربعین حسینی؛ سه فضیلتی است که راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی را بوجود آورده است: «زیارت» «با پای پیاده» «در روز اربعین».

ص: 6

یکی از ارزش های والای راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، پیوند آن با حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی با ویژه گی هایی که دارد؛ زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود است.

ص: 7

پیش گفتار. 11

مقدمه. 13

فصل اول: چرایی و اهمیت زیارت سید و سالار شهیدان. 17

بخش اول: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام. 17

بخش دوم: زیارت اربعین حضرت امام حسین علیه السلام. 18

بخش سوم: جایگاه رفیع زیارت اربعین حسینی.. 20

بخش چهارم: زیارت اربعین حسینی در منابع روایی.. 21

بخش پنجم: راهپیمایی اربعین حسینی.. 22

بخش ششم: سیره علمای شیعه در راهپیمایی اربعین حسینی.. 24

بخش هفتم: چرایی راهپیمایی اربعین حسینی.. 26

بخش هشتم: ضرورت راهپیمایی اربعین.. 27

فصل دوم: منشور اخلاقی راهپیمایی حماسی اربعین حسینی.. 30

بخش اول: مقدمه. 30

بخش دوم: منشور اخلاقی راهپیمایی حماسی اربعین حسینی.. 31

اول: تحقق اهداف و فلسفه قیام امام حسین علیه السلام. 31

دوم: حفظ شکوه و عظمت راهپیمایی.. 31

سوم: حفظ شأن و منزلت... 31

چهارم: توجه به واجبات.. 32

پنجم: برادری و اخوت.. 32

ششم: غنیمت شمردن فرصت اربعین.. 32

هفتم: سعه صدر. 33

هشتم: سپاس‌گزاری.. 33

نهم: ایثار و فداکاری.. 33

دهم: اظهار محبت و علاقه. 33

یازدهم: عشق به خدمت... 34

دوازدهم: احترام به آداب و رسوم مردم عراق.. 34

سیزدهم: پرهیز از اسراف و زیاده روی در خوردنی ها و آشامیدنی ها 34

چهاردهم: رعایت بهداشت و نظافت فردی، اجتماعی و محیطی... 35

پازدهم: رعایت قانون. 35

فصل سوّم: پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی.. 37

بخش اوّل: مقدمه. 37

بخش دوّم: مصادیق پیوند راهپیمایی با حکومت جهانی.. 38

اوّل: سرمایه های انسانی آماده. 38

دوّم: هم صدائی (وحدت و برادری بین ملل اسلامی) 38

سوّم: زندگی مسالمت آمیز بین مسلمانان. 39

چهارم: آشنایی با چهره واقعی شیعه. 39

پنجم: آشنایی با رهبری حکومت جهانی.. 40

ششم: نمونه قابل ارائه. 40

فصل چهارم: گزارش جامع از حادثه عاشورا 43

بخش اوّل: بیان صفات والای امام حسین به شکل سلام. 45

بخش دوم: بیان صفات والای امام حسین به شکل شهادت خطاب به خداوند 45

بخش سوم: بیان صفات والای امام حسین به شکل شهادت خطاب به حضرت 46

بخش چهارم: بیان هدف و نوع عملکرد امام حسین.. 49

بخش پنجم: معرفی و نتیجه کار اهل شقاق و نفاق.. 50

فصل پنجم: زیارت اربعین.. 53

بخش اول: متن زیارت با ترجمه. 53

بخش دوم: زیارت جابر بن عبدالله انصاری.. 56

بخش سوم: زیارت جابر در شعر آئینی ناب.. 59

منابع. 73

ص: 10

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کتاب "راهپیمایی اربعین حسینی" از مجموعه کتاب‌های "نمی‌ازیم" در 5 فصل و 20 بخش به چرایی و اهمیت زیارت سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحُسَین علیه السلام، جایگاه رفیع و با عظمت زیارت، چرایی و اهمیت زیارت اربعین حسینی، جایگاه رفیع و با عظمت زیارت اربعین حسینی، زیارت اربعین یا گزارش جامع از حادثه دلخراش و در عین حال حماسی عاشورا، زیارت اربعین حسینی در منابع روایی، چرایی و ضرورت راهپیمایی اربعین حسینی، جایگاه رفیع و با عظمت راهپیمایی اربعین حسینی، سیره علمای شیعه در راهپیمایی اربعین حسینی، منشور اخلاقی راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مصادیق پیوند راهپیمایی اربعین حسینی، با حکومت مصلح جهانی مهدی پرداخته است.

کتاب "راهپیمایی اربعین حسینی" از مجموعه کتاب‌های "نمی‌ازیم" به همت دانشمند ارجمند حضرت حجت الاسلام

و المسلمین حسن صفرزاده تهرانی به رشته تحریر درآمده و به اهتمام مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن منتشر شده است و به شیفتگان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و خاصه به دلدادگان و شیفتگان سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام تقدیم می گردد.

مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن

شهریور ماه 1401 _ صفر المظفر 1444

ص: 12

با توجه به روایات اهل بیت عصمت و طهارت، زیارت سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، نقش تربیتی بسیاری مهمی دارد و در میان زیارت‌ها زیارت روز اربعین، از جایگاه بلند و ویژه‌ای برخوردار است خاصه اگر این زیارت با پای پیاده باشد که ارزش دو چندان دارد.

در حقیقت زیارت با پای پیاده در روز اربعین حسینی؛ سه فضیلتی است که راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی را بوجود آورده است: «زیارت» «با پای پیاده» «در روز اربعین».

بر این اساس همه شیفتگان و دلدادگان سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام باید بکوشند تا راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی هر چه باشکوه‌تر انجام شود و از هر حرکتی که شکوه و عظمت آن را می‌کاهد، دوری کنند.

یکی از حرکت‌هایی که از شکوه و عظمت راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی می‌کاهد، معادل‌سازی است. پیاده روی جامانده گان اربعین یا پوشش خبری صداوسیما به پیاده روی در شهرهای کشور یکی از آن معادل‌سازی‌ها است و این در حالی است که به عقیده شیعه باید از هر عملی که مآثر نباشد (یعنی از طرف امام معصوم صادر نشده باشد) به شدت پرهیز کرد.

در سیره و روش اهل بیت علیهم السلام ما چیزی بنام پیاده روی جاماندگان اربعین نداریم و حتی افرادی که به حضور اهل بیت علیهم السلام می‌رسیدند و می‌گفتند ما توفیق نداریم اربعین به کربلا برویم امامان معصوم آنها را به پیاده روی جاماندگان رهنمون نکردند.

ممکن است برخی عنوان کنند که پیاده روی جاماندگان اربعین مگر به جایی ضرر می‌زند. چه اشکالی دارد که این کار در ایران هم انجام شود؟ در پاسخ باید گفته شود: اگر قرار باشد با نیت و عمل خیر و با قاعده استحسان، هر عملی را که ظاهر دینی و مذهبی دارد را به مذهب اضافه کنیم؛ اسلام راستین دیگر قابل تشخیص نخواهد بود.

سیره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام توجه ویژه به زیارت روز اربعین بوده است و نباید با رفتارهای موازی این سیره عملی کم‌رنگ شود. ما نباید با برخی موضوعات مانند راه انداختن پیاده روی جاماندگان اربعین، در صدد جایگزین‌سازی باشیم؛ این مسئله با سیره و روش اهل بیت ناسازگار است.

زیارت ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَامِ ثواب خاص و ویژه خود را دارد ولی زیارت اربعین سید و سالار شهیدان، حضرت أبا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ و پیاده روی آن جایگاه منحصر بفرد دارد و باید این جایگاه برجسته بماند و معادل و جایگزینی برای آن نتراشیم و جاماندگان را برجسته نکنیم.

آنچه از روح روایات بر می آید این است که حسرت زیارت سید و سالار شهیدان، حضرت أبا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ باید در دل جا... ماندگان بماند و زخم ناشی از حسرت زیارت سید و سالار شهیدان، نباید جز با زیارت آن بزرگوار التیام یابد.

محمد سعید صفرزاده تهرانی

شهریور ماه 1401 _ صفر المظفر 1444

ص: 15

فصل اول: چرایی و اهمیت زیارت سید و سالار شهیدان

بخش اول: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام

زیارت سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام از اهمیت والائی برخوردار است و از آن جایی که ابعاد معنوی آن، نقش کلیدی در تربیت عاشقان و دلدادگان آن حضرت دارد؛ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در صدها روایت، اهمیت آن را گوش زد کرده و حتی بر انجام روزانه آن، تأکید فراوان داشته اند.

از حضرت امام سجاد علیه السلام در مورد زیارت سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سؤال شد حضرت فرمود: **زُرَّهُ كُلَّ يَوْمٍ، فَإِنَّ لَمْ تَقْدِرْ فَكُلَّ جُمُعَةٍ، فَإِنَّ لَمْ تَقْدِرْ فَكُلَّ شَهْرٍ، فَمَنْ لَمْ يَزُرْهُ فَقَدْ اسْتَخَفَّ بِحَقِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (1)؛** هر روز آن حضرت را زیارت کن، اگر نمی توانی هفته ای یک بار، اگر نمی توانی ماهی یکبار، پس کسی که اصلاً آن حضرت را زیارت نکند، در حقیقت حریم رسول الله را خفیف شمرده است.

حضرت امام رضا علیه السلام زیارت سید و سالار شهیدان، را به مثابه زیارت خداوند تبارک و تعالی تشبیه کرده و می فرماید: **مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسَطِّ الْفُرَاتِ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ (2)؛** هر کس حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را کنار

ص: 17

1- - بلاغه الامام علی بن الحسین (علیه السلام)، حائری، ج 1، ص 254

2- - تهذیب الاحکام، دارالکتب العلمیه، ج 6، ص 46

شط فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است. (تهذیب الأحکام ج: 6 ص: 46)

حضرت امام صادق علیه السلام در باره زیارت سید و سالار شهیدان می فرماید: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي جَوَارِ نَبِيِّهِ وَ جَوَارِ عَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ فَلَا يَدَعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ هر که می خواهد در جوار پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و جوار امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا باشد، زیارت امام حسین علیه السلام را رها نکند(1).

زیارت سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به حدی اهمیت دارد و به قدری نقش تربیتی و معنوی دارد که در اکثر مناسبت های دینی از جمله شب و روز جمعه، روز عرفه، اول و نیمه ماه رجب، دوم شعبان، شب و روز نیمه شعبان، شب اول و شب آخر ماه رمضان، شب های قدر، شب عید فطر و قربان، روز مباحله، روز نزول سوره هل اتی و ... زیارت آن بزرگوار وارد شده است.

بخش دوم: زیارت اربعین حضرت امام حسین علیه السلام

در این میان زمان های زیارتی سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، زیارت روز اربعین، از جایگاه ویژه ای برخوردار است و اهل بیت عصمت و طهارت بر زیارت آن بزرگوار در روز اربعین، بسیار تأکید کرده اند به حدی که حضرت امام سجاد علیه السلام در مسیر بازگشت به مدینه

ص: 18

فرصت را مقتنم شمرده و به سرپرست کاروان اسرا فرمود: **مُرُّنَا عَلَى طَرِيقِ كَرْبَلَاءَ (1)**؛ ما را از راه کربلا ببر.

زیارت اربعین به حدی اهمّیت دارد که حضرت امام صادق علیه السلام آن را انشا کرده و به صفوان جمّال آموزش داد و فرمود: **تَزُورُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ (2)**؛ وقتی مقداری آفتاب روز اربعین بالا آمد آن را بخواند.

زیارت اربعین به حدی اهمّیت دارد که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آن را یکی از علائم ایمان شمرده و می فرماید: **عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ حَمْسٌ صَدَّالَةُ الْحَمْسَةِ يَنْ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3)**؛ مؤمن پنج نشانه دارد: نمازهای پنجاه گانه روزانه واجب و مستحب، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، پیشانی را هنگام سجده بر خاک گذاشتن، و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نماز را بلند گفتن.

زیارت اربعین بخاطر نقش تربیتی و معنویش به حدی اهمّیت دارد که شیخ حرّ عاملی استحباب زیارت آن حضرت در روز اربعین را بر اساس روایات ثابت دانسته و می فرماید: شدت استحباب زیارت آن حضرت در روز اربعین ثابت است **(4)**.

ص: 19

1- بحار الأنوار، ط مؤسسه الوفا، ج 45، ص 146

2- تهذیب الأحكام، دارالکتب العلمیه، ج 6، ص 113

3- بحار الأنوار، ط دارالاحیاء التراث، ج 82، ص 75

4- وسائل الشیعه، ط-آل البيت، ج 14، ص 478

بخش سوم: جایگاه رفیع زیارت اربعین حسینی

زیارت اربعین سید و سالار شهیدان، اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ از چند جهت دارای جایگاه رفیع و با عظمت است.

یکی از جهات رفعت و عظمت زیارت اربعین حسینی، ماثور بودن و مستند بودن آن است. زیارت اربعین را حضرت امام صادق علیه السلام انشا فرمود و به صفوان جمّال آموزش داده است.

یکی دیگر از جهات رفعت و عظمت زیارت اربعین حسینی، محتوا و مضامین عالی زیارت اربعین است که با ناب ترین مفاهیم و با عمیق ترین مضامین؛ صادر شده است.

یکی دیگر از جهات رفعت و عظمت زیارت اربعین حسینی، این است که در عین ایجاز و اختصار، کامل ترین و جامع ترین زیارت حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ است. زیارت اربعین در بردارنده گزارش جامعی از حادثه دلخراش و در عین حال حماسی کربلا است که به تبیین هدف قیام و معرفی شخصیت اصلی قیام و بیان عملکرد خالق آن حماسه پرداخته است.

زیارت اربعین به چرایی قیام حماسی عاشورا پرداخته و شور حسینی را به شعور حسینی تبدیل کرده و نقش تربیتی و معنوی گران بهائی در زندگی شیفتگان آن بزرگوار دارد.

بخش چهارم: زیارت اربعین حسینی در منابع روایی

زیارت اربعین در منابع روایی شیعه جایگاه ویژه ای دارد و در هر یک از کتب روایی بابی به این موضوع اختصاص داده شده است.

در جلد 14 وسائل الشیعه «باب تأکد استحباب زیارت الحسین علیه السلام یوم الأربعاء من مقتله و هو یوم العشرین من صفر» (1). در مصباح المتعجد «باب تأکد استحباب زیارت الحسین علیه السلام یوم الأربعاء» (2).

شیخ مفید در کتاب مزار «فضل زیارت الأربعاء» (3)

سید بن طاووس در «اقبال الاعمال» فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز بیستم ماه صفر را بیان کرده و به همان حدیث معروف امام حسن عسکری علیه السلام تمسک جسته است (4).

علامه حلی در «منتهی المطلب» آورده است: «و تستحب زیارته یوم الأربعاء من مقتله و هو العشرون من صفر» (5)

شهید اول در کتاب مزار می گوید: «و منها زیارة الأربعاء و هو یوم العشرون من صفر» (6)

ص: 21

1- وسائل الشیعه، ط-آل البیت، ج 14، ص 478

2- مصباح المتعجد، فقه الشیعه، ج 1، ص 787

3- المزار، شیخ مفید، ج 1، ص 53

4- اقبال الاعمال، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 589

5- منتهی المطلب، ط القدیمه، ج 2، ص 892

6- المزار، ج 1، ص 187

مرحوم کفعمی در دو کتابش «البلد الامین» (1) و «المصباح» (2)

آورده است: «یستحب بالعشرین منه زیارة الحسین علیه السلام و هی زیارة الاربعین»

علامه محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) در «روضه المتقین» در فضل زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین به همین حدیث امام حسن عسکری علیه السلام تمسک کرده است (3).

علامه محمد باقر مجلسی در دو کتاب «بحار الانوار» (4) و «ملاذ الاخیار» (5) (که شرح بر کتاب تهذیب الاحکام است) زیارت اربعین را آورده است.

بخش پنجم: راهپیمایی اربع ن حسینی

نقش تربیتی و معنوی زیارت خاصه زیارت اربعین، در زندگی شیفتگان سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام به حدی است که اهل بیت عصمت و طهارت برای هر گام آن، آثار معنوی گران بهایی را ذکر کرده اند.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره زیارت با پای پیاده می فرماید: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ

ص: 22

1- - البلد الامین، الأعلمی للمطبوعات، ج 1، ص 274

2- - المصباح، دارالرضی، ج 1، ص 489

3- - روضه المتقین، کوشانبور، ج 5، ص 389

4- - بحار الانوار، الوفاء، ج 101، ص 329

5- - ملاذ الاخیار، کتابخانه آیت الله مرعشی، ج 9، ص 125

دَرَجَةِ (1)؛ کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام رود، خداوند متعال به هر قدمی که بر می دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می فرماید و هزار درجه مرتبه اش را بالا می برد.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در وصف زائر حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَام مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَرْجِعْ حَتَّى يَغْفَرَ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ يَكْتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا وَ كُلِّ يَدٍ رَفَعْتَهَا دَابَّتْهُ أَلْفٌ حَسَنَةٌ وَ مُجِي عَنْهُ أَلْفٌ سَيِّئَةٌ وَ يَرْفَعُ لَهُ أَلْفٌ دَرَجَةٍ (2)؛ هر که از شیعیان ما حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام را زیارت کند، باز نمی گردد، مگر این که همه گناهانش بخشیده شود و به ازای هر قدمی که بر می دارد و هر دستی که به سوی آسمان بالا می رود، برایش هزار حسنه نوشته می شود و هزار گناهش پاک می شود و هزار درجه بالا رود.

با توجه به روایات اهل بیت عصمت و طهارت، زیارت با پای پیاده، خاصه زیارت اربعین، ارزش دو چندان دارد. زیارت سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، با پای پیاده در روز اربعین؛ سه فضیلتی است که راهپیمایی اربعین حسینی را بوجود آورده است.

در حقیقت راهپیمایی حماسی اربعین حسینی سه فضیلت زیارت، با پای پیاده، در روز اربعین را در بر دارد و مصداق بارز زیارت سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ

ص: 23

1- - وسائل الشیعه، ط- آل البيت، ج 14، ص 439

2- - کامل الزیارات، مکتبه الصدوق، ج 1، ص 145

السلام است. زیارت، با پای پیاده، در روز اربعین حسینی همان راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی است.

بخش ششم: سیره علمای شیعه در راهپیمایی اربعین حسینی

به گفته برخی پژوهشگران، راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی از زمان اهل بیت عصمت و طهارت در بین شیعیان رایج بوده و شیعیان حتی در زمان بنی امیه و بنی العباس به این حرکت پایبند بوده اند(1).

به گواه تاریخ سیره مستمره علمای تشیع اهتمام جدی به راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی بوده است. بر همین اساس راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی در طول تاریخ، سیره مستمر شیعه بوده است و در میان متأخرین علمای شیعه مانند شیخ انصاری، میرزا حسین نوری، صاحب موسوعه حدیثی «مستدرک الوسائل»، سید مهدی بحر العلوم، قاضی طباطبایی، امام موسی صدر، علامه امینی، سید محسن امین عاملی، آیت الله میرزا محمد حسین نائینی، در هدایت و ترغیب شیفتگان حسینی به زیارت اربعین، خاصه به صورت پیاده، نقش اساسی داشته اند و ضمن ارائه رهنمود، خود در کنار مردم در راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی شرکت می کردند.

در این میان محدث نوری هر سال و در مناسبت های مختلف به همراه شاگردانش پیاده به زیارت رفته و در ترویج زیارت اربعین نقشی ویژه داشته است. همچنین آیت الله سید

ص: 24

1- - تحقیق درباره اولین اربعین سید الشهداء، قاضی طباطبایی، ص 2.

محمود شاهرودی به همراه شاگردانش هر ساله پیاده به زیارت اربعین می رفته است.

شهید آیت الله مدنی، آیت الله العظمی ملکوتی، آیت الله ملکی تبریزی، سید محمد حسین طهرانی، سید احمد مستنبت، شیخ عباس قوچانی، شیخ حسن نجابت شیرازی و آیت الله سید عبد الحسین دستغیب و شهید صدر اول و شهید صدر دوم از شرکت کنندگان در راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی بوده اند.

آیت الله مرعشی نجفی بیست بار پیاده به همراه تعدادی از طلاب که همه از مراجع و بزرگان شدند، به کربلا مشرف شد و شیخ جعفر کاشف الغطاء در یکی از پیاده روی هایش به کربلا، به حضور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب شده است و حضرت ایشان را به سینه خویش چسبانده و فرموده است: «خوش آمدی ای زنده کننده شریعت ما»⁽¹⁾.

به گواه تاریخ علاقه و اشتیاق به این مراسم معنوی در میان مراجع تقلید، استادان، طلاب و روحانیون حوزه علمیه نجف، از شور و حال بیشتری برخوردار بوده است و کتاب ادب الّطف که در سال 1388 هجری قمری منتشر شده در گزارش خود، اجتماع عظیم اربعین حسینی در کربلا را به اجتماع مسلمانان در مکه مکرمه تشبیه کرده است⁽²⁾.

ص: 25

1- - سایت حوزه: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3872/9467/114014>

2- - ادب الّطف أو شعراء الحسين، دارالمرتضى، ج 1، ص 41

بخش هفتم: چرایی راهپیمایی اربعین حسینی

راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، تعظم شعائر الهی و یادآور ایام الله و احیاگر امامت و رهبری است. این راهپیمایی حماسی برای حق شناسی و پاسداشت و تکریم ارزش های انسانی و دلدادگی واقعی و حقیقی به سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام است.

راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، سبب ماندگاری، اثرگذاری و تحقق اهداف قیام است که از تحریف قیام و نهضت سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام جلوگیری می کند.

راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، نمایش قدرت و نماد آمادگی شیعه برای استکبار ستیزی و مبارزه با ظلم و فساد و عملیات راهبردی برای شکست دشمنان بشریت است که به فتح سنگرهای کلیدی جهان می انجامد.

راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، نشان عقلانیت و درستی اندیشه دینی و تجلی تفکر ناب اسلام محمدی است که عزت اسلام، سربلندی مسلمانان و وحدت بین جهان اسلام را به دنبال دارد.

راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، یک همایش بزرگ و بی مانند برای تلاقی دل های پاکِ موحدان خداپرست است که به عنوان یک سرمایه ی ارزشمند، به پیشبرد اهداف جهان اسلام می انجامد و آزادی قدس شریف را به دنبال خواهد داشت ان شاءالله.

راهپیمایی حماسی اربعین حسینی در حقیقت یک گذرگاه عملیاتی برای پاسخ به ندای هل من ناصر حسینی و جبران کوتاهی در موضوع غدیر است.

بخش هشتم: ضرورت راهپیمایی اربعین

امروز که دشمنی با اسلام و تشیع، ابعاد به مراتب خطرناک‌تر و کشنده‌تری به خود گرفته و دشمنان قسم خورده دین مبین اسلام همه توان خود را در یک جنگ ترکیبی بکار گرفته تا با سخت افزارها و نرم افزارهای مختلف فرهنگی، سیاسی و نظامی، چهره اسلام را تخریب کنند و چراغ اهل بیت عصمت و طهارت را خاموش نمایند؛ راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، اهمیت بیشتری به خود گرفته است.

چرا که استفاده از همه ابزارهای مشروعی که به تقویت هویت دینی و تحکیم انسجام مذهبی بیانجامد و اقتدار و صلابت شعه را در برابر قدرت‌های بیگانه نمایش دهد؛ وظیفه‌ی مهم و ضروری است و یکی از آن ابزارها، راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی است.

امروز رسالت زائران اربعین حسینی بیش از هر زمان دیگر سنگین‌تر و اثرگذارتر است بنابراین بر همگان لازم است در تقویت راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی بکوشند و همه شرکت‌کنندگان این مراسم حماسی، نسبت به وظایف خطیر خود آشنا شده و بر شکوه و عظمت مراسم بیافزایند و با حضور خره‌کننده و مملوونی خود، نمایشگر وحدت، قدرت،

عظمت و صلابت شیعه باشند و از آن چه شکوه و عظمت مراسم را کم‌رنگ می‌کند به شدت پرهیز نمایند.

ص: 28

زیارت بامعرفت اربعین و شکوه راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، در گرو رعایت شایسته‌ی آداب و شرائط، حدود و ثغور راهپیمایی حماسی اربعین حسینی است که از آن به منشور اخلاقی راهپیمایی اربعین یاد می‌شود.

همواره شعائر دین با افراط یا تفریط، تندروی یا کوتاهی، آسیب دیده و به انحراف کشیده شده‌است، همواره واقعه غدیر، واقعه مباحله، عید... سعید فطر، عید سعید قربان، مراسم با شکوه حج، عزاداری سید و سالار شهیدان، راهپیمایی اربعین حسینی و یا نماز جماعت یا نماز... جمعه، و... با عدم رعایت آداب و شرایط آسیب دیده‌است. در طول تاریخ همواره افرادی بوده‌اند که خواسته یا ناخواسته با کوتاهی یا تندروی‌ها یا با روشن فکری یا تحجّر جاهلانه؛ زمینه سوء استفاده بدخواهان شده و بهانه به دست دشمن داده و راه را برای اجرای نقشه‌های آنان باز کرده‌اند.

زائر اربعین حسینی برای حفظ این حرکت عظیم و باشکوه از هرگونه آفت و آسیب؛ باید آداب و شرائط، حدود و ثغور راهپیمایی را به شدت رعایت کرده و بر شکوه و عظمت آن بیفزاید. منشور اخلاقی، تربیتی شرکت‌کنندگان در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، حاوی آداب و شرائط، حدود و ثغور راهپیمایی اربعین است که به برخی از آن اشاره می‌شود:

بخش دوم: منشور اخلاقی راهپیمایی حماسی اربعین حسینی

اول: تحقق اهداف و فلسفه قیام امام حسین علیه السلام

زائر اربعین حسینی در طول راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، به اهداف و فلسفه قیام سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام توجه داشته و با رفتار، کردار و گفتار شایسته؛ نهایت تلاش خود را برای تحقق آن اهداف بکار می‌گیرد و به این حقیقت توجه دارد که راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، همه وظیفه شیعه نیست بلکه کف آن است و وظائف شیعه به مراتب از راهپیمایی بالاتر و خطیر تر است.

دوم: حفظ شکوه و عظمت راهپیمایی

زائر اربعین حسینی با انجام اعمال مستند و مأثور، رعایت دقیق و صحیح آموزه های دینی، رعایت آداب سفر و آداب زیارت، جایگاه راهپیمایی حماسی اربعین حسینی را حفظ می‌کند و بر شکوه و عظمت آن می‌افزاید و از اعمال بدون سند، رفتارهای بدعت آمیز، رفتارهای خرافی، حرکات های افراطی و تقریظی، حرکات های تفرقه آمیز و اختلاف افکنانه و تعصب های قومی؛ به شدت پرهیز کرده و شیعه و اسلام را از طعن بدخواهان دور می‌کند و راهپیمایی حماسی اربعین حسینی که متعلق به جهان اسلام است را از هر آسیب و آفتی حفظ می‌نماید.

سوم: حفظ شأن و منزلت

زائر اربعین حسینی در تعامل با زائران بزرگوار به ویژه زائران غیر ایرانی؛ در گفتار، رفتار و برخورد؛ شایسته، وزین و اخلاقی

عمل کرده و شأن و منزلت زائر ایرانی را حفظ می کند و از هر نوع رفتار خلاف شأن، خلاف ادب و خلاف اخلاق به شدت پرهیز می نماید تا بر شأن و منزلت راهپیمایی حماسی اربعین حسینی بیافزاید.

چهارم: توجه به واجبات

زائر اربعین حسینی با اهتمام به واجبات؛ شور حسینی را به شعور حسینی تبدیل کرده و از هر عملی که به واجبات بی توجهی شود یا ضربه بزند یا سبب ترویج مکروهات شود یا مقدمه ارتکاب حرام گردد؛ به شدت پرهیز می نماید. توجه بیش از حد به مستحبات و بی توجهی به واجبات یکی از آسیب های رائج این گونه مراسمات است.

پنجم: برادری و اخوت

زائر اربعین حسینی با توجه به آیه **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (1)** ملاک برتری را تقوا دانسته و تفاوت های نژادی و ملیتی را در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، نادیده گرفته و با رفتار شایسته، فرهنگ برادری و اخوت اسلامی که ضروری ترین موضوع جهان اسلام است را بین ملت عراق و دیگر ملت ها گسترش می دهد.

ششم: غنیمت شمردن فرصت اربعین

زائر اربعین حسینی فرصت را غنیمت شمرده و با توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، ارتباط معنوی با خالق هستی را نصب العین خود قرار داده و در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، تمام توجه خود را در تقویت باورهای دینی و بهره

ص: 32

برداری حدّاکثری از مراسم معنوی اربعین و استفاده کامل از این فرصت به وجود آمده، بکار می‌گیرد و از هرگونه فعالیتّ منافی معنویت از قبیل شب نشینی و گعده های بی محتوا پرهیز می‌کند.

هفتم: سعه صدر

زائر اربعین حسینی با درک درست شرایط، سنگینی موضوع، پیچیدگی کار، حساسیت موقعیت و عظمت راهپیمایی حماسی اربعین حسینی؛ با سعه صدر و بردباری، در طول سفر سختی‌ها و کمبودها را تحمل کرده و از بی‌تابی و گلایه پرهیزد می‌نماید.

هشتم: سپاس‌گزاری

زائر اربعین حسینی با نادیده گرفتن کمبودها و نواقص، از همه کسانی که در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، به نحوی به زائران سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام خالصانه و عاشقانه، خدمت می‌کنند، سپاس‌گزاری کرده و از همه خدمت‌گزاران قدردانی می‌نماید.

نهم: ایثار و فداکاری

زائر اربعین حسینی با تأسی به سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام و یاران با وفایش؛ با مقدم داشتن دیگران در صف‌های نماز جماعت، در صف‌های توزیع غذا، در سوار شدن بر وسایل نقلیه و در انتخاب مکان‌های عبادت، زیارت، استراحت؛ جلوه‌های ایثار و فداکاری را در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، به نمایش می‌گذارد.

دهم: اظهار محبت و علاقه

زائر اربعین حسینی علاقه و محبت خود را نسبت به ملت عراق اظهار داشته و با تألیف قلوب به این حرکت ارزشی؛ معنا

و مفهوم والا- می بخشد و از هرگونه بی حرمتی به ملت عراق و از هرگونه حرکت نسنجیده و گفتار رنجش آور مانند عنوان «جنگ عراق و ایران» بجای عنوان «جنگی که صدام ملعون بر دو ملت تحمیل کرد» که به صمیمیت بین دو ملت ضربه بزند و به شکوه و عظمت راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، آسیب برساند؛ پرهیز می نماید.

یازدهم: عشق به خدمت

زائر اربعین حسینی با خدمت به زائران و کمک و یاری توان خواهان؛ عشق و علاقه خود را به سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نشان می دهد و بر شور راهپیمایی حماسی اربعین حسینی می افزاید.

دوازدهم: احترام به آداب و رسوم مردم عراق

زائر اربعین حسینی با توجه به تفاوت های فرهنگی ملت ایران و عراق، به آداب و رسوم ملت عراق در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، احترام گذاشته و از تحمیل آداب و رسوم خود بر میزبان پرهیز می کند.

سیزدهم: پرهیز از اسراف و زیاده روی در خوردنی ها و آشامیدنی ها

زائر اربعین حسینی ایثار و مهمان نوازی سخاوتمندانه مردم عراق که با انواع خوردنی ها و آشامیدنی ها، با اشتیاق و گاه با اصرار و التماس از زائران اربعین پذیرایی می کنند را با استفاده مناسب از امکانات، پاسخ داده و از هر نوع اسراف و زیاده روی در خوردن و آشامیدن در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، به شدت پرهیز می نماید.

چهاردهم: رعایت بهداشت و نظافت فردی، اجتماعی و محیطی

زائر اربعین حسینی بر اساس آموزه های دینی، بهداشت فردی و اجتماعی، محیطی و پیرامونی را رعایت کرده و دیگران را نیز به رعایت آن سفارش می کند و با توجه به کثرت جمعیت و محدودیت خدمات بهداشتی؛ از هرگونه اقدامی که موجب آلودگی محیط پیرامون در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی شود، پرهیز می کند.

پازدهم: رعایت قانون

زائر اربعین حسینی در راهپیمایی حماسی اربعین حسینی، به قانون احترام گذاشته و رعایت قانون و توصیه های ایمنی و امنیتی را بر خود لازم دانسته و خود و دیگران را از دردهای ناخواسته حفظ می کند.

ص: 35

یکی از ارزش های والای راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، پیوند آن با حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی با ویژه گی هایی که دارد؛ زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود است.

آن شخصیت والا و آن رهبر قیام حماسی عاشورا، که با حرکت مقدسش اسلام را حفظ کرد؛ زیارت اربعینش، مقدمات ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز فراهم می کند، به همین خاطر سید و سالار شهیدان در بین انوار مقدس ائمه اطهار علیهم السلام از همه برجسته تر است که فرمود: **كُلُّنَا سَفِينُ النَّجَاةِ وَ لَكِنْ سَفِينَةُ جَدِيّ الْحُسَيْنِ اَوْسَعُ وَ فِي لُبِّجِ الْبَحَارِ اَسْرَعُ(1)**؛

همه ما اهل بیت کشتی های نجاتیم، ولی کشتی جدم حسین وسیع تر و در عبور از امواج سهمگین دریاها سریع تر است.

راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی از چند جهت با حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود پیوند ناگسستی دارد یا به تعبیر بهتر حکومت مصلح جهانی و

ص: 37

منجی بشریت حضرت مهدی موعود به مقدماتی نیاز دارد که همه آن مقدمات در راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد که به بعضی از آن اشاره می شود.

بخش دوم: مصادیق پیوند راهپیمایی با حکومت جهانی

اول: سرمایه های انسانی آماده

قیام و ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود در حلقه های متعدد نیاز به نیروی میلیونی مؤمن، آموزش دیده، خبره، کارکشته، آزموده و با تجربه دارد به گونه ای که به تعبیر امیر بیان حضرت علی علیه السلام: **لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوْلُونَ وَ لَا يَدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ(1)**؛ پیشینیان، در فضایل از آنان سبقت نیافته و آیندگان به مرتبه آنان نرسند. این سرمایه های انسانی که باید همه ویژگی هایی لازم را برای اداره جهان دارا باشند؛ در کجا باید آموزش ببینند؟ کجا باید آمادگیشان را تمرین کنند؟ این جمعیت میلیونی برای تمرین در کدام مکان، در چه زمان، در کدام رزمایش، در کدام اردوگاه باید اردو بزنند؟ آیا اردوگاهی بهتر، وسیع تر و جامع تر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

دوم: هم صدائی (وحدت و برادری بین ملل اسلامی)

مرکزیت حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود غرب قاره آسیا یعنی ایران، عراق، شامات است، ملت های این کشورها برای حکومت یک پارچه جهانی منجی

ص: 38

عالم بشریت باید یک دل و یک جهت شوند و وحدت و برادری، همدلی و همراهی خود را به اوج برسانند، تفاوت های کاذب را رها کند، برتری های نژادی را کنار بگذارد، از دشمنی ها و حرکت های تفرقه انگیز و اختلاف افکن پرهیز نمایند و یک پارچگی خود را برای حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت آماده کنند و در برابر دشمن واقعی آماده باشند. آیا برای شروع و تمرین وحدت و هم دلی؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

سوّم: زندگی مسالمت آمیز بین مسلمانان

ملل مسلمان از نظر فرهنگ، آداب و رسوم تفاوت های بسیاری با یکدیگر دارند و این در حالی است که برای حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عیج الله فرجه الشریف، ملل مسلمان، با تمامی تفاوت های فرهنگی که دارند، در راه هدف مقدس شان؛ زودتر و بهتر از دیگر ملل، باید زبان یکدیگر را بفهمند، همدیگر را درک کنند، آداب و رسوم یکدیگر (که در بعضی از موارد ضد هم است) را تحمل کنند و بتوانند در یک حکومت واحد جهانی با همکاری، تعاون و تعامل پیوسته؛ زندگی مسالمت آمیز داشته باشند. آیا برای شروع و تمرین زندگی مسالمت آمیز؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

چهارم: آشنایی با چهره واقعی شیعه

همه دشمنان اسلام با همکاری مزدوران شان مانند گروه های تکفیری القاعده، داعش و آل سعود، یک چهره ناپسند از شیعه به دنیا نشان داده اند و این در حالی است که هنگامه ظهور؛

تمامی بشریت باید با چهره ارزشمند و صلح طلب اسلام آشنا باشند، از اهداف و آرمان های حکومت جهانی مطلع باشند، مذهب تشیع را به عنوان مذهب نجات بخش بشری بشناسند، نسبت به شیعه به عنوان کارگزارن حکومت جهانی، ذهنیت خوب داشته باشند تا ملت ها؛ قیام و ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به راحتی همراهی کنند. آیا برای آشنائی با چهره واقعی شیعه و صلح طلبی دین مبین اسلام و اهداف و آرمان های حکومت جهانی؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

پنجم: آشنایی با رهبری حکومت جهانی

هنگامه ظهور همه جهانیان باید با رهبری قیام یعنی مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به خوبی آشنا باشند و اصل و نسب و اجداد طاهرین و کمالات و فضائل بی بدیل آن حضرت را به خوبی بشناسند تا به راحتی قیام آن بزرگوار را همراهی کنند. آیا برای آشنائی ملل جهان با رهبری قیام و اصل و نسب آن بزرگوار؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

ششم: نمونه قابل ارائه

حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف؛ حکومت یک پارچه و وحدت آفرین بین تمام ملت ها است و ملت ها در اوج برادری و تعاون برای یک زندگی شرافتمند؛ همکاری و تعامل پیوسته خواهند داشت. آیا

برای نشان دادن یک نمونه قابل ارائه به جهان، بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

بر این اساس زائر اربعین سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با نیت زمینه‌سازی ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت؛ باید در راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی شرکت نمایند و با عمل به منشور اخلاقی تربیتی راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی و با رعایت آداب و شرائط، حدود و ثغور، به ندای هل من ناصر حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لبیک گوید و در فراهم شدن مقدمات ظهور حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود نقش آفرین باشد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ

ص: 41

شیخ طوسی از صفوان جمّال روایت می کند که زیارت اربعین را حضرت امام صادق علیه السلام به من آموزش داد تا در روز اربعین وقتی مقداری آفتاب بالا آمد آن را بخوانم و این دلیل بر جایگاه ارزشمند زیارت اربعین است.

یکی از دلایل تأکید ائمه بر خواندن زیارت اربعین محتوای زیارت است که معرفت زا است. زیارت اربعین یکی از زیارت‌های مستند و معتبر شیعه است که در عین ایجاز و اختصار؛ از جامعیت بالا و از مضامین بسیار بلند و از ناب ترین مفاهیم برخوردار است.

زیارت اربعین در عین ایجاز و اختصار؛ گزارش جامعی از حادثه دلخراش و در عین حال حماسی عاشورا است. منظور از گزارش جامع، بیان زمان، مکان، تعداد سپاه، نفرات لشکر نیست چرا که این گونه اطلاعات شناسنامه ای و ارقامی، اهمیت و نقش چندانی ندارد. قرآن... کریم در داستان اصحاب کهف می فرماید: سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ رِجَالًا لَّيَالِيًا كَثِيرًا وَبِغِيَابِ رَبِّهِمْ يُكَفِّرُونَ... وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَمْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا⁽¹⁾؛ گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگ‌شان بود!» و گروهی می گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگ‌شان بود.» همه اینها سخنانی بی دلیل است و گروهی می گویند: «آنها هفت نفر بودند،

ص: 43

و هشتمین آنها سگ‌شان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاه‌تر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی‌دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ‌کس درباره آنها سؤال مکن!

بلکه منظور از گزارش جامع، معرفی شخصیت، بیان چرایی واقعه، تبیین هدف، تشریح عملکرد، آثار و نتیجه حرکت حضرت امام حسین علیه السلام است که به آن، گزارش محتوایی یا تحلیلی گفته می‌شود. زیارت اربعین در چند بخش کلی به توصیف خالق حماسه عاشورا و معرفی شخصیت سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ پرداخته و چرایی، هدف، عملکرد و نتیجه را بیان می‌فرماید. راستی خالق حماسه عاشورا کیست و چه شخصیتی دارد؟

یکی از ارکان بررسی یک حادثه شناخت شخصیت های آن حادثه است تا شخصیت خالق یک حماسه به خوبی شناخته نشود؛ عظمت و بزرگی آن حماسه روشن نمی‌شود، بر این اساس امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین برای تبیین شخصیت حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ نزدیک به پنجاه صفت والای سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام که به نوعی با حماسه عاشورا ارتباط دارد را به دو شکل سلام و شهادت بیان کرده‌است.

بخش اول: بیان صفات والای امام حسین به شکل سلام

امام صادق علیه السلام در فراز اول با سلام‌های توصیفی، صفات والای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را بیان می‌فرماید:

السَّلَامُ عَلَى وَليِّ اللّهِ وَحَبِيبِهِ؛ سلام بر ولی و دوست خدا

السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللّهِ وَنَجِيبِهِ؛ سلام بر خلیل و بنده شریف خدا

السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللّهِ وَابْنِ صَفِيهِ؛ سلام بر بنده برگزیده و فرزند برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ؛ سلام بر حسینی که مظلوم شهید شد

السَّلَامُ عَلَى اَسِيرِ الْكُرْبَاتِ؛ سلام بر بزرگواری که گرفتار غم و اندوه و مصائب سخت شد.

وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ؛ سلام بر کشته راه حق که هر چشمی برای او گریان است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللّهِ؛ درود بر تو ای فرزند رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ؛ درود بر تو ای آقای جانشینان

بخش دوم: بیان صفات والای امام حسین به شکل شهادت خطاب به خداوند

امام صادق علیه السلام در فراز دوم با خطاب به خداوند و به شکل شهادت و گواهی، صفات والای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را بیان می‌فرماید:

اللّهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ اَنَّهُ وَاِبْنُ وَاَلِيكَ؛ خدایا من گواهی دهم که او ولی تو و فرزند ولی توست

وَصَفِيكَ وَابْنُ صَفِيكَ؛ برگزیده و فرزند برگزیده ی توست

الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ؛ به لطف و بزرگواری تو رستگار شد

أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ؛ او را به فیض شهادت گرامی داشتی

وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ؛ سعادت دنیا و آخرت را به اختصاص دادی

وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ؛ و به پاکی نفس و پاکیزگی تینت برگزیدی

وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ؛ او را سید و آقای بزرگان عالم قرار دادی

وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ؛ او را پیشوا و رهبر رهبران جهان قرار دادی

وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ؛ او را مدافع و نگهبان دین قرار دادی

وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ؛ و میراث تمام پیامبران را به او عطا کردی

وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ؛ و او را از بین جانشینانت حجّت بر بندگانت قرار دادی

بخش سوّم: بیان صفات والای امام حسین به شکل شهادت خطاب به حضرت

امام صادق علیه السلام در فراز سوّم با خطاب به خود حضرت و به شکل شهادت و گواهی، صفات والای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را بیان می فرماید:

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ؛ گواهی دهم که به راستی تو امانت دار خدا و فرزند امانت دار اوایی

عِشْتَ سَعِيدًا؛ سعادتمند زیستی

وَمَضَيْتَ حَمِيدًا؛ و ستوده پرکشیدی

وَمُتَّ فَقِيداً مَّظْلُوماً شَهِيداً؛ ستم‌دیده و شهید درگذشتی

وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ؛ گواهی دهم که خدا به آن چه به تو وعده داده وفا کند

وَمُهِلِكَ مَنْ خَذَلَكَ؛ و خدا هلاک کننده کسی است که دست از یاریت برداشت

وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ؛ و عذاب کننده کسی است که را کشت

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ؛ و گواهی دهم که تو به عهدهت با خدا به خوبی وفا کردی

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ؛ و در راه خدا همه عمر جهاد کردی تا مرگت فرا رسید

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ؛ پس خدا لعنت کند کسی که تو را کشت

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ؛ و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ؛ و خدا لعنت کند مردمی را که شنیدند و بدان راضی شدند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُ؛ خدایا تو را گواه می گیرم که دوست دوستداران آن بزرگوارم

وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ؛ دشمن دشمنان اویم

يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ پدرم و مادرم فدای تو ای فرزند رسول خدا

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْدَلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ؛ گواهی می دهم که تو در صلب های شرافتمند و رحم های پاک طینت؛

نور بودی و می درخشیدی

لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا؛ جاهلیت با ناپاکی هایش تو را آلوده نساخت

وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا؛ و از جامه های تیره و تارش به تو نپوشاند

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ؛ و گواهی میدهم که تو از ستون های دین هستی

وَأَزْكَانِ الْمُسْلِمِينَ؛ پشتیبان و ستون های محکم مسلمانی هستی

وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ؛ و پناهگاه مؤمنین هستی

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ النَّبِيِّ الرَّضِيِّ الزَّكِيِّ الْهَادِي الْمَهْدِي؛ و گواهی می دهم که تو پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى؛ و گواهی می دهم که امامان از فرزندان تو؛ روح و حقیقت تقوایند

وَأَعْلَامُ الْهُدَى؛ و نشانه های هدایتند

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى؛ رشته محکم ایمان خلق

وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا؛ حجت بر اهل دنیا هستند

وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ؛ و گواهی می دهم که من به یقین به شما مؤمنم

وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي؛ به بازگشتتان براساس قوانین دینم، و عواقب عملم، یقین دارم

وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ؛ و قلبم تسلیم شما است

وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ؛ و کارم پیرو اوامر شما است

وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ؛ و یاری ام برای شما آماده است، تا خدا به شما اجازه دهد

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ؛ پس با شمایم نه با دشمنانتان

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَوْلَادِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ؛ درودهای خدا بر شما، و بر ارواح و پیکره‌ایتان، و بر حاضر و غایبتان، و بر ظاهر و باطنتان. آمین رَبَّ الْعَالَمِينَ.

بخش چهارم: بیان هدف و نوع عملکرد امام حسین

سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ چه هدفی داشت؟ برای تحقق هدف مقدس خود چگونه عمل کرد؟ امام صادق علیه السلام در فراز چهارم هدف والای و نوع عملکرد سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام را چنین بیان می‌فرماید:

فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ؛ با نهایت مهربانی مردم را نصیحت کرد

وَمَنَعَ النَّصْحَ؛ و با نهایت مهربانی اتمام حجت نمود و جای عذری باقی نگذاشت

وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكٍ؛ همه هستی خود را در راه تو فدا کرد

لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ؛ تا بندگان را از تاریکی جهالت نجات دهد

وَحَيْرَةَ الضَّلَالَةِ؛ و آنان را از گمراهی و سرگردانی نجات دهد

فَجَاهَدَهُمْ فَيْكٍ صَابِرًا مُحْتَسِبًا؛ با ستمگران با صبر و تحمل، جهاد کرد و مشقت بسیار کشید

حَتَّىٰ سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ؛ تا آنجا که خون پاکش در راه اطاعت تو ریخته شد

وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ؛ و حرمت اش پایمال گردید و حریم مطهرش مباح شمرده شد.

بخش پنجم: معرفی و نتیجه کار اهل شقاق و نفاق

دشمنان آن بزرگوار چه کسانی بودند؟ چه ماهیتی داشتند؟ و عملکرد آنان چه بود؟ و نتیجه کارشان چه شد؟ امام صادق علیه السلام در فراز پنجم ماهیت دشمنان آن بزرگوار و نوع عملکرد و نتیجه کارشان را چنین بیان می فرماید:

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتْهُ الدُّنْيَا؛ مردمی که مغرور دنیا شده بودند، بر علیه او همدست شدند

وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذْنَى؛ و بهره خود را از هستی، به متاع پست و فرومایه دنیا فروختند

وَسَرَى آخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ الْأَوْكَسِ؛ و آخرتشان را به پست ترین متاع از بین رفتنی، معامله کردند و خود را مفت فروختند

وَتَعَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ؛ در دام هوس افتادند و در پیروی از آن هلاک شدند

وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيكَ؛ و تو و پیامبرت را به خشم آوردند

وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالتَّفَاقِ؛ و از اهل نفاق و شقاق پیروی کردند

وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ؛ و از کسانی که بار سنگین گناه و معاصی را بر دوش کشیدند، پیروی کردند

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ؛ و از آنهایی که مستوجب آتش دوزخ بودند، پیروی کردند

اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً؛ خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین

وَعَذِّبْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً؛ و عذابشان کن عذابی دردناک

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ؛ پس خدا لعنت کند کسی که تو را کشت

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ؛ و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِدَلِكِ فَرَضِيَّتِ بِهِ؛ وَخَدَا لَعْنَتِ كَنَدِ مَرْدَمِي رَا كَه شَنِيدَنَدِ وَبَدَانِ رَاضِي شَدَنَدِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُكَ اَنِّيْ وَوَلِيٌّ لِّمَنْ وَالَاةُ؛ خَدَايَا تُوْرَا گُوَاهِ مِي گِيْرِمِ كَه دُوْسْتِ دُوْسْتَدَارَانِ اَنِّ بَزْرگُوَارِمِ

وَعَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاةُ(1)؛ دَشْمَنِ دَشْمَنَانِ اُوِيْمِ.

ص: 51

السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْحَسَنِ بْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَىٰ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ؛ سلام بر ولی خدا و محبوب اش، سلام بر دوست خدا و برجسته و شریف اش، سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر حسین مظلوم و شهید، سلام بر آن دچار پریشانی ها و کشته اشک ها.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ هُدًى لِّكَ وَابْنَ وَلِيِّكَ، وَصَفِيَّكَ وَابْنَ صَفِيِّكَ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ، الْأَكْرَمُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبِيبُكَ بِالسَّعَادَةِ، وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ، وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنَحَ النَّصْحَ؛ خدایا من گواهی می دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو و برگزیده تو و فرزند برگزیده تو هست، حسینی که به کرامت رسیده و او را به شهادت گرامی داشتی و به خوشبختی ویژه اش ساختی و به پاکی ولادت برگزیدی و او را آقای از آقایان و پیشروی از پیشروان و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی و میراث های پیامبران را به او عطا کردی و او را از میان جانشینان، حجت بر بندگان قرار دادی و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت و از خیرخواهی دریغ نورزید.

وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لَيْسَ تَتَقَدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَفْتَهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأُزْدَلِ الْأَدْنَى، وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ، وَتَعَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسَّ حَظَّكَ وَأَسَّ حَظَّ نَبِيِّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشُّفَاقِ وَالنَّفَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأُوزَارِ، الْأُمْسَ تَوَجِّيبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَتَهُ؛ اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً، وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ و جانش را در راه تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند، درحالی که بر ضد او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد و بهره واقعی خود را به فرومایه ترین و پست ترین چیز فروختند و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم آوردند و اطاعت کردند از میان بندگان، اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین و سزاواران آتش را، پس با آنان درباره تو صابرا نه و به حساب تو جهاد کرد تا در طاعت تو خونس ریخته شد و حریمش مباح گشت؛ خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین و عذابشان کن عذابی دردناک.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، اللَّهُ هَدَىٰ أُمَّتَكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عَشْتُ سَعِيدًا، وَمَصْدَيْتَ حَمِيدًا، وَمُتَّ فَقِيدًا، مَظْلُومًا سَهِيدًا، وَأَشَّ هَدَىٰ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ، وَمُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ، وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشَّ هَدَىٰ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتْ بِهِ؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو

ای فرزند سرور جانشینان، گواهی می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی، خوشبخت زیستی و ستوده درگذشتی و از دنیا رفتی گم‌گشته و مظلوم و شهید، گواهی می‌دهم که خدا وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده و نابودکننده کسانی که از یاری ات دریغ ورزیدند و عذاب‌کننده کسانی که تو را کشتند و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی و در راهش به جهاد برخاستی تا آن که مرگ به سویت آمد، پس خدا لعنت کند کسانی که تو را کشتند و به توستم کردند و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تَنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمَدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّمَيُّي الرَّضِيُّ الْزَكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ؛ خدایا من تو را شاهد می‌گیرم که من دوستم با آنان که او را دوست دارند و دشمنم با آنان که با او دشمن اند، پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو در صلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نکرد و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشاند و گواهی می‌دهم که تو از ستون‌های دین و پایه‌های مسلمانان و پناهگاه مردم مؤمنی و گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت‌کننده و هدایت‌شده‌ای.

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِسَبِّ رَايِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلَّ بِي لِقَابِكُمْ سِئَلَمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، صَدَّقُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (1)؛ و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا و نشانه‌های هدایت و دستگیره محکم و حجت بر اهل دنیا هستند و گواهی می‌دهم که من به یقین مؤمن به شمایم و به بازگشتان یقین دارم، بر اساس قوانین دینم و پایان‌های کردارم و قلبم با قلبتان در صلح است و کارم پیرو کارتان می‌باشد و یاری‌ام برای شما آماده است تا خدا به شما اجازه دهد، پس با شمایم نه با دشمنانتان، دروهای خدا بر شما و بر ارواح و پیکره‌ایتان و بر حاضر و غایبتان و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان.

بخش دوم: زیارت جابر بن عبدالله انصاری

علامه مجلسی با سند خویش از عطیه عوفی نقل می‌کند: (2) همراه جابر بن عبدالله انصاری به قصد زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام از مدینه بیرون شدیم. چون به کربلا وارد شدیم جابر بن عبدالله انصاری نزدیک فرات غسل کرد، جامه تمیز پوشید پس از آن که خود را معطر نمود،

ص: 56

1- [1] تهذیب الأحکام، دارالکتب العلمیه، ج6، ص113-114

2- بحار الانوار، الوفاء، ج101، ص195-196

به سوی مضجع حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام حرکت کردیم. جابر بن عبدالله انصاری هر قدم را آرام و کوتاه برمی داشت و ذکر می گفت. نزدیک قبر حضرت امام حسین علیه السلام که رسیدیم جابر بن عبدالله انصاری گفت: دست مرا بر قبر بگذار، دستش را بر قبر گذاشتم، روی قبر افتاد و از هوش رفت، بر او آب پاشیدم تا به هوش آمد. آنگاه جابر بن عبدالله انصاری سه بار گفت: یا حسین، سپس گفت: حَبِيبٌ لَا يُجِيبُ حَبِيبَهُ دُوسْت، پاسخ دوستش را نمی دهد؟!!

بعد جابر بن عبدالله انصاری گفت: وَأَتَى لَكَ بِالْجَوَابِ وَقَدْ شَهِحْتَ أَوْدَاجُكَ عَلَى أَثْبَاجِكَ، وَفُرِّقَ بَيْنَ بَدَنِكَ وَرَأْسِكَ، فَأَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَابْنُ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنُ حَلِيفِ التَّقْوَى وَسَدِّ لَيْلِ الْهُدَى وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ وَابْنُ سَيِّدِ الثَّقَبَاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ؛ چگونه پاسخ دهی در حالی که خون رگ هایت را بر میان شانه ها و پشتت ریختند و میان سر و پیکرت جدایی انداختند؟! گواهی می دهم که تو فرزند خاتم پیامبران و فرزند سرور مؤمنان و فرزند هم پیمان تقوا و چشمه هدایت و پنجمین فرد از اصحاب کسایی و فرزند سالار تقییان و فرزند فاطمه سرور زنانی؟!!

وَمَا لَكَ لَا تَكُونُ هَكَذَا وَقَدْ غَدَّتْكَ كَفُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَرُبِّيَّتِ فِي حِجْرِ الْمُتَّقِينَ وَرُضِيَ عَمَّكَ مِنَ تَدْيِ الْإِيمَانِ وَفُطِمَتْ بِالْإِسْلَامِ فَطَبَّتْ حَيًّا وَطَبَّتْ مَيِّتًا غَيْرَ أَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ طَيِّبَةٍ لِفِرَاقِكَ وَلَا شَاكَّةٍ فِي الْخَيْرَةِ لَكَ فَعَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَصِيَّتَ عَلِيٍّ مَا مَضَى عَلَيْهِ أَخُوكَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا؛ و چگونه چنین نباشی در حالی که از دست سرور پیامبران غذا خورده ای و در

دامان تقوایپشگان پرورش یافته ای و از سینه ایمان شیر نوشیده ای و با اسلام تو را از شیر گرفته اند پس پاک زیستی و پاک رفتی؛ اما دل های مؤمنان در فراق تو خوش نیست بی آن که در این تردیدی رود که همه اینها به خیر تو بود پس سلام و رضوان خدا بر تو باد! و گواهی می دهم که تو بر همان روشی رفتی که برادرت یحیی بن زکریا رفت.

آنگاه جابر بن عبدالله انصاری نگاهی به اطراف قبر افکند و گفت: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَرْوَاحُ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَاءِ الْحُسَيْنِ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِينَ وَعَبَدْتُمُ اللَّهَ - حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينَ؛ سلام بر شما ای جان های پاک که در آستان حضرت امام حسین علیه السلام فرود آمدید! گواهی می دهم که شما نماز را بر پا داشته، زکات را پرداخته، امر به معروف و نهی از منکر کردید و با ملحدان جهاد نمودید و خدا را پرستیدید تا آنکه تا به رتبه و مقام یقین نائل شدید.

سپس ادامه داد و گفت: وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيمَا دَخَلْتُمْ فِيهِ؛ سوگند به خدایی که محمد را به حق فرستاد، ما در راهی که شما رفتید شریک شما ایم.

عطیه می گوید: به جابر بن عبدالله انصاری گفتم: چگونه با آنان شریکیم که نه دشتی پیمودیم و نه از بلندی و کوه بالا رفتیم و نه شمشیر زدیم، در حالی که اینان سر از پیکرهایشان جدا شد، فرزندانشان یتیم گشتند و همسرانشان بیوه گشتند؟

جابر بن عبدالله انصاری گفت: یا عَطِيَّةُ! سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُشِرَ مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نَبِيَّتِي وَنَيْتَةَ أَصْحَابِي عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ؛ اِي عطيه از حبيبم رسول خدا صلی الله عليه و آله شنيدم که می فرمود: هر کس گروهی را دوست بدارد با آنان محشور می شود و هر کس کار عده ای را دوست بدارد در عمل آنان شریک است(1).

بخش سوّم: زیارت جابر در شعر آئینی ناب

شاعر: حاج غلام رضا سازگار(2)

بر پای گل از خار ستم آبله پیداست *** سر سلسله ای را اثر سلسله پیداست

از فرش الی عرش خدا ولوله پیداست *** در وادی خونین بلا قافله پیداست

دارند همه از شرر داغ چراغی *** خیزید کز این قافله گیریم سراغی

ص: 59

1- - بشارة المصطفى عماد الدين طبري: ص 74 ، بحار الأنوار مجلسی: ج 68 ص 130 ح 62 ؛ مقتل الحسين للخوارزمي : ج 2 ص 167 نحوه.

2- - <https://dla.ir/14000702-2>

این قافله رو کرده به بیت الحرم عشق *** کوییده بمیدان اسارت علم عشق
گفته است بلی ها به بلاهای غم عشق *** از بهر طواف حرم محترم عشق
احرام همه جامه خونین اسارت *** کردند به خوناب جگر غسل زیارت
جابر به سر تربت دلدار رسیده *** بر یاور بی یاور دین یار، رسیده
گوئی که بر آن کشته عزادار رسیده *** با سینه سوزان و دل زار رسیده
محرم شده و اشک فشان خوانده خدا را *** با خون جگر شسته قبور شهدا را
آورده غریبی غم دل بهر غریبی *** افتاده حبیبی بروی قبر حبیبی
بیمار فراقی شده مهمان طیبی *** نه تاب و توانی نه قراری نه شکیبی
می گفت: حبیبی که غمت کرده کبابم *** من دوستم آخر بده ای دوست جوابم

ای نام تو روشنگر دل و جان کلامم *** ای یافته سبقت ز سلامم به سلامم
ای دادرس و رهبر و مولا و امامم *** هم عاشق و هم دوست و هم پیر غلامم
با یاد تو در این سفر از شهر مدینه *** تا کرب و بلا کوفته ام بر سر و سینه
گردون ز غمت در همه جا ولوله انداخت *** تا شام ز سر تا بدنت فاصله انداخت
بر گردن تنها پسرت سلسله انداخت *** بر پای یتیم تو گل آبله انداخت
دور از تو ولی مرغ دلم همسفرت بود *** گه پیش بدن گاه بدنبال سرت بود
ای نور دل فاطمه آخر تو نبودی؟ *** کز دوش پیمبر بر خم دیده گشودی
هم خنده زدی هم دلم از دست ربودی *** بر گردن من بازوی خود حلقه نمودی
یاد آر از آن خاطره ای نور دو دیده *** با من سخنی گوی ز رگهای بریده

ای دیده‌گریان مرا نور، عطیّه *** صحراست پر از زمزمه و شور، عطیّه

آوای جرس می رسد از دور، عطیّه *** دردا که بود دیده من کور، عطیّه

این ناله پیوسته و این ولوله از کیست؟ *** برخیز و خبر آر که این قافله از کیست؟

از شیون این قافله پُر، دامن صحراست *** آوای جرس را خبر از ناله زهراست

بر گوش دلم زمزمه زینب کبری است *** فریاد شهیدا و غریبا و حسیناست

از گریه گلوی من رنجور گرفته *** این کیست که با یا ابتا شور گرفته؟

بر قلب عطیّه سخن او اثری کرد *** از خویش در آن وادی محنت سفری کرد

بر دیدن آن قافله هر سو نظری کرد *** هر لحظه به رخ جاری خون جگری کرد

از سینه برآمد بفلک ناله و آهش *** افتاد چو بر سید سجّاد، نگاهش

تا کرد بر آن قافله از دور نظاره *** چون شمع ز سر تا به قدم ریخت شراره
در مقدم آن ماه رخان ریخت ستاره *** برگشت بسوی حرم عشق دوباره
زد ناله که عاشور دگر آمده، جابر *** بر خیز که زینب ز سفر آمده، جابر
بلبل گل خود را به سراغ آمده، جابر *** آلاله دگر باره به باغ آمده، جابر
بر تربت عشاق چراغ آمده، جابر *** بر خیز که یک قافله داغ آمده، جابر
بر خیز و بده آب به گل‌های مدینه *** سقّاست خجل از لب عطشان سکینه
بر خیز سرودی ز غم تازه بخوانیم *** بر خیز شرار غم دل را بشانیم
بر خیز که خود را به اسیران برسانیم *** بر خیز که گل در ره سجّاد فشانیم
بالای سرش آیه تطهیر بگیریم *** گل بوسه ز زخم غل و زنجیر بگیریم

آن محرم محرم شده در آن حرم هو *** آن عاشق دلسوخته آن پیر خداجو
آغشته به خاک شهدا کرده سر و رو *** با چشم دل خویش نظر کرد به هر سو
می خواست که صد بار به هر گام بمیرد *** تا یک خبر از سید سجاد بگیرد
پُر بود ز اشک جگر سوخته، جامش *** می ریخت شرار دل سوزان ز کلامش
زد رایحه عطر حسینی به مشامش *** بشنید سلام از لب جانبخش امامش
گفت ای ز سلام تو خجل پیر غلامت *** یادآور اخلاق پدر بود سلامت
آن زائر دلسوخته آن پیر سرافراز *** شد طایر روحش ز تن خسته به پرواز
زد ناله و کرد از دل و جان دست ز هم باز *** بگرفت در آغوش حسین دگری باز
افکند به گردون شرر تاب و تیش را *** بر زخم غل جامعه بگذاشت لبش را
مولا چو نظر کرد حبیب پدرش را

قد خم و سوز دل و اشک بصرش را

سوزاند دوباره شرر جگرش را *** بگذاشت روی شانه آن پیر سرش را

کای گلشن وحی از نفست بوده معطر *** افسوس که یک باغ گل از ما شده پرپر

جابر نتوان گفت چه آمد بسر ما *** کز چور خزان ریخت همه برگ و بر ما

غلطید بخون پیکر پاک پدر ما *** شد قاتل او با سر او همسفر ما

ما زخم زبان در ملا عام شنیدیم *** بی جرم و گنه از همه دشنام شنیدیم

دشمن همه جا خنده به زخم جگرم زد *** در شام بلا سنگ به فرق پدرم زد

با کعب سنان گاه به تن گه بسرم زد *** سیلی به رخ خواهر نیکو سیرم زد

دیدم اثر سیلی، بر روی سکینه *** یاد آدم از فاطمه و شهر مدینه

ص: 65

بگذشته چهل شب که خموش است چراغم *** هر لحظه غمی آمده از ره بسراغم
من لاله خونین دل هفتاد و دو داغم *** یک لاله نه، یک غنچه نمانده است به باغم
این قافله در وادی غم راه سپارند *** غیر از من مظلوم دگر مرد ندارند
ناگاه به ارکان فلک زلزله افتاد *** در عرش ز فریاد ملک غلغله افتاد
ارواح رسل یکسره در ولوله افتاد *** بر قبر شهیدان نگه قافله افتاد
چون برگ خزان از شجر خشک فتادند *** بر خاک شهیدان گل رخسار نهادند
طفلان عوض جامه دل خویش دریدند *** سیلی زده بر صورت و فریاد کشیدند
با گریه از این قبر به آن قبر دویدند *** برگرد قبوری که چهل روز ندیدند
بر طره آغشته به خون مشک فشاندند *** خود را بروی خاک کشاندند، کشاندند

می خواست که جان از تن اطفال برآید *** میرفت که عمر همه با هم بسر آید

دلها همگی خون شده از دیده برآید *** عاشور دگر گردد و شور دگر درآید

سر تا به قدم آتش افروخته بودند *** گر اشک نمی کرد مدد، سوخته بودند

زینب که بهار غم از آن باغ خزان داشت *** در پیکر آن وادی هفتاد و دو جان داشت

تیر آلمش بر جگر و قدّ کمان داشت *** بهر لب خشک شهدا اشک روان داشت

بر تربت دلدار دُر از خون جگر ریخت *** پیوسته گهر ریخت، گهر ریخت، گهر ریخت

گفت ای همه جا مهر رخت در نظر من *** ای با سر خود بر سر نی همسفر من

ای بوده به ویرانه چراغ سحر من *** در راه بود آنچه که آمد به سر من

دارم سند زنده که همگام تو بودم *** این روی به خون شسته و این جسم کبودم

بر نی سر تو دسته گل محفل ما بود *** آوازه قرآن تو در محفل ما بود

لبخند عدو مرحم زخم دل ما بود *** در گوشه ویرانه سرا منزل ما بود

هر جا که عزا بهر تو در شام گرفتیم *** پاداش خود از سنگ لب بام گرفتیم

از کرب و بلا در نظرم خاطره ها، ماند *** گلهای تو را آبله از خار به پا، ماند

رفتم به سوی شام و دلم پیش تو جا، ماند *** هفتاد و دو داغم به جگر از شهدا، ماند

افسوس که یک باغ گل از ما شده پرپر *** تو رفتی و من ماندم و این چند کبوتر

کی بود گمانم که کند دشمن جانی *** بر مصحف صد پاره من اسب دوانی

ممنوع شود دیده ام از اشک فشانی *** مهلت ندهندم که کنم مرثیه خوانی

شب تا به سحر دست بر تو گرفتم *** در حبس غریبانه عزا بر تو گرفتم

از زمزمه و گریه آهسته بگویم *** از دست به زنجیر ستم بسته بگویم

از کعب سنان و بدن خسته بگویم *** از بارش سنگ و سر بشکسته بگویم

این ها همه از دخت علی خم نکند پشت *** ای لاله پرپر شده داغ تو مرا کشت

ما بر کف پا نقش گل از آبله دیدیم *** رأس شهدا را جلوی قافله دیدیم

کعب نی و شادی و کف و هلله دیدیم *** یک سلسله را بسته به یک سلسله دیدیم

دادند به ما، جا، به ره ظلم ستیزی *** خواندند عزیز دلمان را به کنیزی

تنها نه در امواج بلا یار تو بودم *** از لحظة میلاد گرفتار تو بودم

شبا به بر فاطمه بیدار تو بودم *** با هر نگهم طالب دیدار تو بودم

دردا که دگر انس به داغ تو گرفتم *** برگشتم و از خاک سراغ تو گرفتم

ای کاش جدا می شد، پیش از تو سر من *** می رفت فرو تیر غمت بر جگر من
میریخت چون نخل قد تو برگ و بر من *** می شد ز ازل کور دو چشمان تر من
من روی زمین پیکر صد چاک تو دیدم *** آویزه به دروازه سر پاک تو دیدم
ای پای سرت خصم زده نای و دف و چنگ *** ای بر سر نی گشته جبینت هدف سنگ
ای طلعت زیبای تو گردیده ز خون رنگ *** بر خیز برادر که دلم تنگ شده، تنگ
بردار سر از خاک که روی تو ببوسم *** بر خیز که رگهای گلوی تو ببوسم
من کوه بلا را بسر دوش کشیدم *** یک گاه نلرزیدم و یکدم نبریدم
در طشت طلا تا گل رخسار تو دیدم *** فریاد زدم پیرهن صبر دیدم
چون چوب به لبهای تو می خورد به شدت *** من بر سر خود می زدم، اطفال به صورت

در شام بلا بود، بلا بود، بلا بود *** بالله قسم سخت تر از کرب و بلا بود

ظلم و ستم و کفر و ظلالت به ملا بود *** خورشید رخت جلوه گر از طشت طلا بود

آئینه صفت چشم تو در دور زدن بود *** دیدم نگهت در همه احوال به من بود

باز آمده ام تا زمن از شام پرسی *** از بودن ما در ملاء عام پرسی

از خنده و از طعنه و دشنام پرسی *** از خون سر و سنگ لب بام پرسی

اما دگر از قصه ویرانه پرسی *** ای گوهر یکدانه ز دُر دانه پرسی

این دختر باز آمده از شام خرابت *** این فاطمه و نجمه و کلثوم و ربابت

برگشته ز ره، قافله پر تب و تابت *** گلها همه بر خاک فشانند گلابت

جامانده یکی دَر یتیم از صدف تو *** در شام بلا گشته سفیر از طرف تو

آن گل که به تن بود ز هر خار نشانش *** کردم همه جا در برخورد حفظ چو جانش
دردا که نشستم به تماشای خزانش *** کردم بدل خاک غریبانه نهانش
افسوس که آن طوطی آتش زده لانه *** چون مادر ما فاطمه، شد دفن شبانه
ای در یم تاریکی، مصباح و سفینه *** جان با نفسم شعله کشد بی تو ز سینه
تو کرب و بلا باشی و زینب به مدینه *** من ماندم و هجران تو و اشک سکینه
صد پاره نهادن به بیابان بدنت را *** سوغات برم سوی وطن پیرهننت را
گر شام اگر کوفه اگر کرب و بلا بود *** هر جا که بلا بود ولا بود، ولا بود
هر کس که جفا کرد، وفا بود وفا بود *** هر گام خدا بود، خدا بود، خدا بود
«میشم» سخن از سوز دل ما چه نکو گفت *** ما هر چه در این واقعه گفتیم بگو: گفت

- 1- قرآن کریم
- 2- محمد محسن بن شاه مرتضی، فیض کاشانی (1406)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المومنین علیه السلام.
- 3- جعفر بن محمد، ابن قولویه القمی (1356)، کامل الزیارات، مصحح: عبدالحسین امینی، نجف: دار المرتضویه.
- 4- (بی تا)، بی جا: ط مکتبه الصدوق.
- 5- ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن، طوسی (1365)، تهذیب الاحکام، مصحح: محمد آخوندی، تهران: دارالکتب العلمیه.
- 6- جعفر عباس، حائری (بی تا)، بلاغه الامام علی بن الحسین (علیه السلام)، بی جا.
- 7- محمد بن الحسن، الحر العاملی (بی تا)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- 8- الشیخ محمد باقر بن محمد تقی، المجلسی (1403)، بحار الانوار، تهران: موسسه الوفا.
- 9- (بی جا): ط دارالاحیاء التراث.
- 10- محمد بن نعمان، شیخ مفید (413)، المزار، تحقیق ایه الله السید محمد باقر الابطحي، بی جا
- 11- ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن، طوسی (1411)، مصباح المتهجد، بیروت: موسسه فقه الشیعه.
- 12- علی بن موسی، ابن طاووس (1409)، اقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه (ط القدیمیه).
- 13- محمد تقی، مجلسی (1406)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاودی علی پناه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور (ط- القدیمیه).
- 14- محمد باقر، مجلسی (1403)، بحار الانوار، بی جا: موسسه الوفا.

- 15- سيد محمد علي، قاضى طباطبايى (1368)، ، تحقيق دربارہ اول اربعين حضرت سيدالشهدا(عليه السلام)، قم: بنياد علمى و فرهنگى شيهيد آيت الله قاضى طباطبايى.
- 16- جواد، شبر (1409)، ادب الطف أو شعراء الحسين، لبنان: دارالمرتضى.
- 17- حسن بن يوسف، حلّى (بى تا)، منتهى المطلب، بى جا: ط القديمه.
- 18- ابراهيم، الكفعمى العاملى (1418)، البلد الأمين و الدرع الحصين، بيروت: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات.
- 19- (1405)، المصباح- جنة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية، قم: دار الرضى (زاهدى).
- 20- محمد باقر، مجلسى (1406)، ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار، مصحح: مهدي رجائى، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
- 21- جعفر بن حسين، شوشترى (1414)، الخصائص الحسينيه، بيروت: دار السرور.
- 22- يوسف بن يحيى، مقدسى شافعى سلمى (1428)، عقد الدرر فى اخبار المنتظر(عجل الله تعالى فرجه و الشريف)، قم: مسجد مقدس جمكران.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

